

ابوبکر رازی

محمد بن زکریای رازی از نوابع اطبای عصر دوم عباسی است (۱) از پائیان اورا Razès مینامند. در دوره جوانی بموسیقی تمایل بسیار داشت و بنواختن عود و ساختن آلات موسیقی اشتغال میورزید و معلومات علمی را در بزرگی فرا گرفت و کامیابی پیدا کرده شهرت عظیمی یافت. نیمه دوم قرن سوم بریاست اطبای (مارستان) بغداد برگزیده شد (۲) رازی در مواهب و فضائل خود بواسطه مطالبی که از مجالس علمی استفاده میکرد و یا از کتب جمع میدید و حید عصر خویش گشته و در تالیفاتش کتب مسائل طب را که در آن عصر معروف بود گرد آورد (۳) بهمین جهت گفته اند: «علم طب معدوم بود جالینوس آنرا احیا کرد و پیرا کننده بود رازی آنرا جمع کرد و ناقص بود ابن سینا آنرا تکمیل کرد» رازی در تدریس طریقه مخصوصی داشت یعنی مجلس درسش از سه طبقه تشکیل میشد طبقه اول شاگردان خودش طبقه دوم شاگردان طبقه اول و طبقه سوم شاگردان طبقه دوم رازی نخست در علوم انسانی شاگردان خود القا میکرد و آنها نیز باید درس را بشاگردان خودشان بیاموزند و در صورتیکه بر صواب نمیبودند رازی خود اشتباهات آنرا رفع میکرد. رازی سر و چهره بزرگی داشت

(۱) تصردوم عباسی بخلاف متوکل علی الله عباسی سنه (۲۳۲) هجری شروع وبظهور دوات آل بویه سنه (۳۳۴) ه ختم میباشد.

(۲) بقول ابن خلکان. رازی نخست بریاست مارستان ری و سپس بریاست مارستان بغداد در ایام (المکتفی) انتخاب شد. مارستان در قدیم مکانی بوده است شامل مریضخانه و مدرسه طبی که رئیس آن در آنجا هم باید طب را تدریس وهم مرضی را معالجه کند.

(۳) بقول ابن خلکان رازی بتحصیل طب اشتغال ورزید

واگر رطوبتی که همواره در چشمهای وی پدیدار بود وجود نمیداشت وضع قیافه او بیم و هیبتی در اهل مجلس تولید میکرد.

دانشمندایران رازی مردی بخشیده و نیکم‌حضر و نسبت بمرضای مهربان بود بدقت ملاحظه و صحت نظر مشهور و از ذکاوت و اصابت رای وی نوادر بسیاری حکایت کرده اند استاد بزرگوار غالباً در ری و سایر شهرهای ایران بسر میبرد و بسلاطین بزرگ و امرای انسر زمین بوا سطره فضائل خویش خدمات بسیار کرده بعضی از کتبش را بنام ایشان تصنیف نموده است مانند کتاب (منصوری) که آنرا بجهت امیر منصور سامانی تألیف نموده است و کتاب (ملوکی) را بجهت علی پسر صاحب تبرستان. رازی عشق و علاقه شدیدی بعلوم حکمت و فلسفه داشت و درین علوم مخصوصاً علم کیمیا و شیمی و متعلقات آن تصنیفات نفیسی کرده است در علم شیمی اکتشافات مهمی نموده است که نام وی را تا ابد زنده میدارد از آن جمله است جوهر گوگرد (اسید سولفوریک) که رازی خودش آنرا زیت الزاج نامیده و دیگر الکلی یا (الکحول) که از مواد مهم صنعت است قسمت اول را بواسطه تقطیر ^(علم بنات الحدید) یا (سولفور دوفر) که آنرا بعربی زاج الاخضر مینامند کشف نمود و طریقه وی هنوز هم در دنیا ثابت و معمول است قسمت دوم یا الکلی را بوسیله تقطیر مواد نشویه یا مست کننده مخمره کشف کرد.

شهید بلخی شاعر معاصر با رازی بوده بایکدیگر معارضاتی داشته اند (۱) رازی کتاب بسیاری در شیمی تألیف کرده و بر خلاف مردم عصر خود بامکان تحویل معادن بطلا معتقد نبود و ببحث این مبحث از کیمیای قدیم که بسیاری

از مردم درین راه مجاهدات بسیار میکردند عقیده نداشت لکن مع ذالک بر روی اعتقاد سایرین درین فن نیز تالیف میکرد ولی بر اثر این قسم تالیفات بزحمت و اذیت سختی دچار گردید زیرا منصور سامانی حکمران ری (۱) دانشمند مزبور را طلبید و امر کرد که آنچه در کتب کیمیاوی خود نگاشته بمعرض عمل گذارد و طلاب سازد رازی نتوانست منصور بر او غضب کرد و فرمان داد کتاب را چندان بر سر روی زنند تا اوراق آن پاره گردد آنگاه او را بجانب بغداد گسیل کرد. همین ضربت سبب شد که چشم رازی پس از چندی آب آورده کور گردید. گویند میل زنی بنزد وی آمد (۳) که چشمانش را میل بزند رازی از او پرسید: «چشم چند طبقه دارد؟» گفت:

«گفت نمیدانم» رازی فرمود: (کسیکه طبقات چشم را نداند بمعالجه کردن چشم من قادر نیست. انگاه گفت: «بدنیا پس فکر بستم تا اینکه افسرده شدم و دیگر نیازی بچشم ندارم» رازی باختلاف روایات در سنه (۳۲۰) یا (۳۱۰) یا (۳۰۴) وفات یافته است. دانشمند استاد پیش از (۲۰۰) جلد کتاب از مؤلفات خود بیادگار گذاشته است که اینک مهمترین آنها را شرح میدهیم:

۱- کتاب حاوی: - بقول ابن خلیکان ۳۰ جلد است این کتاب از بزرگترین و مهمترین آثار وی در صناعت طب است رازی کلیه مطالبی را که در ذکر امراض و معالجه آنها در کتب متفرقه طبی علمای متقدم تا عصر خودش بدست آورده در این کتاب جمع کرده است و هر قولی را بگوینده اش نسبت داده است

(۱) منصور سامانی پسر اسحق بن احمد پسر عم امیر احمد ابن اسمعیل دوم پادشاه سامانی است که از سال (۲۹۱) تا سنه (۲۹۶) از جانب امیر احمد حکومت ری را داشته است. شرح حال رازی که در اینجا نوشته شده است ترجمه تقریبی از آداب اللغة جرجی زیدان و دائرة المعارف فرید و جدی و ابن خلیکان و بعضی از ماخذ صحیح دیگر میباشد

از این کتاب نسخه‌ای خطی در موزه بریتانی و نسخه دیگری در کتابخانه (مونخ)

و نسخ دیگری در کتابخانه‌های (اوکسفر) (اسکوریل) موجود است. فراگوست

آنرا بلاتینی نقل کرده است دو مرتبه بطبع رسیده چندین مرتبه مختصر شده است.

۲ - کتاب طب منصوری: نسخه‌ای از آن در کتابخانه پاریس موجود

و در کتابخانه‌های او کمفور (در سدن) و (اسکوریل) و غیره نیز نسخ دیگری

موجود میباشد. کرمونی آنرا بزبان لاتینی نقل و بطبع رسانیده است.

۳ - کتاب جدری و حصیه: اولین کتابی است که این دو مرض را بخوبی وصف

کرده است این کتاب بزبان لاتینی و غیره ترجمه شده. انتشار یافته است.

۴ - کتاب فصول در طب: این کتاب را (المرشد) هم می‌نامند بعبیرانی نقل

شده در (لیدن) موجود است و بلاتینی نیز نقل کرده، بهمان زبان چاپ شده

است مجله المشرق که در بیروت تحت مدیریت (ابو بخو) منتشر میشده است

در صفحه (۵۴۳) سال چهارم آنرا توصیف نموده است.

۵ - کتاب کافی: بعبیرانی ترجمه شده و در کتابخانه او کسفور موجود است

۶ - کتاب برء الساعة: بر کتب و غیره و موجود در کتب (کیک) آنرا در مجله

المشرق سال ششم صفحه (۳۸۵) نشر کرده است

۷ - کتاب طب ملوکی: نسخه خطی آن در کتابخانه لیدن موجود است

۸ - کتاب مفید الخاص: در کتابخانه آستانه شهد. نسخه خطی نفیسی از آن موجود است

(از سخنان رازی)

۱ - اگر طیب عالم و مریض مطیع باشد مرض بزودی معالجه میشود.

۲ - در اول مرض بچیزهایی معالجه کن که باعث ضعف قوه نگردد

۳ - تا بتوانی خود را بغذاها معالجه کنی بادویه معالجه مکن و تا ممکن باشد

معالجه بدوای ساده بادویه مرکب مدا و منما. (پروین گنابادی)